

صغرای صلح، کبرای جنگ



فرید سیاوش

پاسخ، تحلیل و ارزیابی های جناب خلیل زاد در کمیته روابط خارجی مجلس سنای این کشور به پرسش های سناتوران درباره پالیسی آمریکا در قبال افغانستان پس از خروج نیروها امریکایی از آنکشور، آینده غمبار افغانستان را نقاشی دیپلماتیک میکند. خوبست یک نگاه شرقی و زود گذر بر عمده ترین پاسخ های ایشان بیاندازیم.

جناب خلیلزاد فرستاده ویژه وزارت امور خارجه آمریکا در پاسخ به سوال سناتوران که آیا واشنگتن پس از عقب نشینی نیروهایش از افغانستان برای بحران احتمالی مهاجرت آماده است یا خیر؟ اظهار داشت: "ما در حال تدوین یک برنامه بشردوستانه هستیم تا احتمالاً تعداد پناهندگان افغان را افزایش دهیم. و در این مورد ما با شرکای خود در این زمینه (احتمال افزایش پناهندگان) کار می کنیم.

و پرسش ما اینست وقتی شما برای صلح و حکومت مشارکت ملی کار میکنید و قرار است صلح و آرامش در کشور تامین گردد؛ بحث آمادگی مهاجرت های بزرگ برای چیست؟ و در جای دیگری فرموده اند: "آمریکا برای یافتن پیمانکارانی که پس از خروج جایگزین نیروها در این کشور خواهد شد، افغانستان را کمک می کند".

اعتراف روشن و ساده به خصوصی سازی جنگ یعنی همان پروژه رفتن برای ماندن.

وقتی باب منن‌دیز، رییس کمیته روابط خارجی مجلس سنای آمریکا گفت که او "باور ندارد که سنای ایالات متحده در صورت تصرف افغانستان از سوی طالبان که منجر به از دست رفتن پیشرفت‌های جامعه مدنی و نقش‌های پشتیبان حقوق زنان خواهد شد، همکاری‌ها به این کشور - به ویژه حمایت‌های مالی بانک جهانی - را پشتیبانی کنند"

خلیل‌زاد در پاسخ گفت که به نظر او، حکومت کنونی افغانستان پس از خروج نظامیان خارجی از این کشور به‌زودی سقوط نخواهد کرد و پس از خروج نیروهای خارجی، افغانان باید یکی از این دو گزینه را انتخاب کنند؛ رسیدن به یک **توافق صلح** یا **جنگ طولانی مدت**. سقوط را رد نمی‌کند عنصر زمان را گنگ می‌گذارد، اگر حرف و حدیث سقوط نیست چرا ضریب کارمندان سفارت منفی شده و حتی احتمال بسته شدن سفارت هم در نظر گرفته شده است؟.

خلیل‌زاد در این نشست گفت که در صورت رسیدن طالبان و حکومت افغانستان به یک توافق صلح، کمک و همکاری‌ها به این کشور مشروط خواهند بود. او افزوده است که در صورت به قدرت رسیدن طالبان و چشم‌پوشی آنان از حقوق بشری زنان و دیگر گروه‌ها، کمک‌ها و دیگر حمایت‌های دیپلماتیک بر آنان قطع خواهند شد. این تصمیم چه درد افغانستان را دوا می‌کند؟.

این پرسش‌ها و پاسخ‌ها زنگ یک شکست و فروپاشی دیگر را می‌نوازد. روایت رویدادها، تکرار شکست و فروپاشی نظام در سال ۹۲، را ترسناک‌تر به تصویر می‌کشد؛ سقوط کامل نظام بدست طالبان یا شروع یک جنگ فرسایشی ویرانگر دیگر. ژنرال مارک میلی رییس ستاد مشترک ارتش آمریکا گفته است: متغیرهای زیادی وجود دارد و "آینده قابل پیش‌بینی نیست"

ما با تاسف در جاده‌های گلپوش تاریخ وطن ما ایستاده نیستیم ما بر پشت نهنگ حوادث شط می‌زنم و از یک بحران به بحران دیگر می‌غلطیم. چرا به خود نمی‌آییم؟ چرا نمیتوانیم در چنین شرایط سرنوشت ساز با صف واحد و مشترک، کار مشترک و ایستادگی مشترک کنیم. کسی برای ما هرگز فردای بهتر نمی‌سازد مگر خود ما. تا دیر نشده است بیایید همصدا و همگام شویم. این نیاز چندین نسل، یک مردم و یک کشور است؛ تعقل، احساس و توان مان را با نیاز زمان باید گره بزنیم تا در صحنه حضور کار ساز داشته باشیم؛ تا از کبرای جنگ به صغرای صلح عبور کنیم. نه باید ترسید باید قامت قیام را برافراشت!

"گنجشکی که از هترسک بترسد از گرسنگی می‌میرد... چه کسی می‌ترسد؟"

